



تلقی عارضی از «انسان‌شناسی قرآنی» با آیات قرآن ناسازگار است

ارسانیا با اشاره به رویکردی که قائل است قرآن عهده‌دار تبیین حقیقت و هویت انسان نیست، عنوان کرد: بدون شک در قرآن برخی از تجویزها و احکام ارزشی درباره انسان بیان شده است...

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، دیدگاهی را که قرآن را فقط کتاب هدایت و انسان‌شناسی قرآن را تبعی و عارضی می‌داند، با آیات قرآن، ناسازگار دانست.

حجت‌الاسلام و المسلمین حمید پارسانیا، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی در خصوص مبانی انسان‌شناختی قرآن و افق‌های انسان‌شناسی قرآنی پرداخت.

پارسانیا با اشاره به رویکردی که قائل است قرآن عهده‌دار تبیین حقیقت و هویت انسان نیست، عنوان کرد: بدون شک در قرآن برخی از تجویزها و احکام ارزشی درباره انسان بیان شده است که عهده‌دار هدایت انسان به سوی سعادت و کمال اوست، اما این‌که قرآن عهده‌دار تبیین هویت انسان و ارائه یک انسان‌شناسی و عهده‌دار تفسیر عالم نباشد و شناختی از نظام هستی و در متن آن شناخت خداوند سبحان ارائه ندهد و کتابی باشد که تنها عهده‌دار ارائه مجموعه‌ای از احکام تجویزی راجع به حیات انسانی و هدایت انسان باشد، مورد پذیرش نیست.

تقابلی میان شأن شناختی و تبیینی قرآن با شأن هدایتی و تجویزی آن وجود ندارد

این محقق و پژوهشگر با تأکید بر مورد قبول نبودن تقابل ماهیت تبیینی و تفسیری قرآن از یک سو و ماهیت تجویزی آن از سوی دیگر، اظهار کرد: اصلاً شناخت حقیقت و هویت انسان همانند شناخت خداوند سبحان، شناخت اسماء و صفات الهی و شناخت نظام عالم، خود در متن هدایت انسان است.

پارسانیا ادامه داد: به تعبیر دیگر، از یک سو بیان احکام تجویزی، مبتنی بر نوع تفسیری است که از انسان و جهان داریم و از سوی دیگر هدایت انسان و کمال انسان بخشی از شناخت حقیقت خود اوست. به تعبیر دیگر، هم تصویر کردن مسیر هدایت بدون داشتن یک مبنای هستی‌شناختی و انسان‌شناختی ناممکن است و هم شناخت هستی و شناخت انسان چیزی است که جدای از متن هدایت انسان نیست.

نفی رویکرد تبیینی قرآن به عالم، با آیات قرآن در تعارض است

وی خاطرنشان کرد: در آیات قرآن هدف از خلقت آسمان و زمین و هدف از خلقت انسان، شناخت عالم و شناخت خداوند سبحان گفته شده است؛ چه این‌که شناخت خداوند سبحان نیز با شناخت حقیقت انسان ممزوج و آمیخته است و کسی که خود را می‌شناسد، خدا را می‌شناسد و کسی که خدا را نشناسد، خود را نمی‌تواند بشناسد.

پارسانیا افزود: این دیدگاه که قرآن فقط کتاب هدایت است و پرداختنش به شناخت خداوند سبحان و شناخت عالم یا هستی‌شناسی و همچنین انسان‌شناسی به نحو استطرادی و تبعی و عارضی است، و این‌که قرآن در مقام بیان این مسئله نیست، با خود آیات قرآن هم ناسازگار است.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان در بحث از شأن شناختی قرآن، حکم گزاره‌های شناختی ناظر به حقیقت را از حکم گزاره‌های ناظر به عمل جدا کرد، گفت: نمی‌توانیم چنین تفکیکی را در حکم این گزاره‌های قرآن قائل شویم. اصلاً خود عمل انسانی در جهت کمال، شامل رسیدن به حقیقت است و شناخت حقیقت در متن کمال انسانی تعریف می‌شود و آموزش حقیقت بخشی از هدایت انسانی است.

اشکالی از سوی رویکرد ایمان‌گرایانه/ رویکرد ایمان‌گرایانه منزله از نوعی انسان‌شناسی نیست

پارسانیا در پاسخ به رویکردهای ایمان‌گرایانه‌ای که قائل هستند ایمان بر فهم تقدم دارد و در نتیجه فهم بعد از ایمان را ناظر به عمل تعریف می‌کنند یا قرآن را از منظر یک متافیزیک عمل می‌نگرند و آن را حاوی نظامی نظری در چارچوب فلسفه و علوم انسانی و از جمله انسان‌شناسی نمی‌دانند، بیان کرد: این نگاه کانتی و از این زاویه داوری کردن، در مورد قرآن خود مبتنی بر نوعی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی است. این معرفت‌شناسی مدعی است که حقیقت قابل شناخت نیست و انسان گرفتار یک شکاکیت ساختاری است. این معرفت‌شناسی هم با این انسان‌شناسی قرین است که انسان مبدأ و سوژه است و معرفت چیزی جز یک ذهنیت انسانی نیست و آن مبادی چنین نتیجه‌ای را می‌دهد.

وی ادامه داد: بنابراین خود این رویکرد ایمان‌گروانه هم منزله از نوعی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نیست و قرآن خود کتابی است که نسبتش با این معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی نسبتی خنثی نیست و در نخستین گام، تفسیری از هستی و از انسان دارد که یقیناً با تفسیر کانتی و نوکانتی از انسان و جهان و همچنین معرفت متفاوت است.

پارسانیا در پاسخ به این پرسش که آیا بیان وی به معنای طرح انسان‌شناسی بدیل قرآنی به عنوان اساس رویکردی غیرایمان‌گرایانه است؟ به در هم آمیخته بودن تبیین و تجویز در قرآن اشاره و اظهار کرد: آن‌چه تاکنون گفته شد، این بود که اگر کسی می‌پذیرد که قرآن یک کتاب ارزشی است، او باید بپذیرد که این ارزش‌هایی که در قرآن ارائه می‌شود، مستقل از نوع تفسیر و تبیین قرآن نسبت به عالم و آدم نیست. عرض بنده این است که در درون قرآن، تفسیری از انسان و جهان وجود دارد

که ارزش‌هایی هم که در قرآن ارائه می‌شود، جدای از آن تفسیرها نمی‌تواند باشد، بلکه وقتی که نزدیک می‌شویم، می‌بینیم که هدایت و کمال انسان را در داشتن یک تفسیر و تبیین درست از انسان و جهان می‌داند.

وی افزود: در واقع وقتی که به آیات قرآن نزدیک می‌شویم، بیش از آن‌چه که در قدم اول منطقاً توقع داریم، عملاً می‌بینیم که درهم تنیدگی تبیین و تجویز یا ارزش، بیش از آن‌چه تصور می‌کردیم، در درون خود قرآن موج می‌زند. به این ترتیب، ما نمی‌توانیم این‌ها را از هم جدا بدانیم و البته نگاه و تفسیری که قرآن از انسان و جهان ارائه می‌دهد، به گونه‌ای است که در لایه‌ها و سطوح مختلف علوم جزیی نیز تأثیرگذار است؛ یعنی بدون شک قرآن کتابی است که راجع به انسان حرف دارد و انسان‌شناسی خاص دارد و این انسان‌شناسی تأثیرات منطقی خودش را در حوزه علوم مختلف انسانی خواهد داشت.